

Cultural-social construction of marriage institution in the Qajar period

(Analysis of the marriage process and pattern)

mohammad Amir Ahmadzadeh*

mohammad niyazi**

Abstract

Qajar era society is the closest historical period to the contemporary period to understand the ancient social patterns and forms of Iranian society. Due to its historical longevity and pivotal role in building society, the family is the most suitable option for understanding the social forms of the traditional period. Marriage is the first and most important constructive framework of the family. What types of spouses have been selected in the Qajar period and what functions have each had? And what have been the cultural meanings of each of these types and marriages of the Qajar period? We have discussed it through the method of documentary study and historical analysis. The overall achievement of the discussion is that the choice of spouse was based on the system of kinship, and individuality played a minor role in it. The predominant form of marriage choice was monogamy, polygamy, permanent and temporary marriage with a male focus, and each of these types led to the production and reproduction of the "extended family." Class-cultural homogeneity has prevailed over different types of marriage. Religion and sharia have been the legal basis and guarantor of the survival of the extended family. The rituals and ceremonies of marriage were a reflection of the dominance of collectivist culture over individualistic

* Assistance Professore of History, Institute of Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran (Corresponding Author), m.ahmadzadeh@ihcs.ac.ir

** Phd Student of History, Institute of Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran, mohammadniyazi@gmail.com

Date received: 21/7/2020, Date of acceptance: 16/1/2021



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

۲ پژوهش‌نامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی، سال نهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۹

culture, and the social construction of marriage in the Qajar era had a "biological-natural" form.

Keywords: Marriage, marriage choice, social construction, Qajar, family, kinship system

ساخت فرهنگی - اجتماعی نهاد ازدواج در دوره قاجار (تحلیلی از فرآیند و الگوی ازدواج)

محمدامیر احمدزاده*

محمد نیازی**

چکیده

جامعه عصر قاجار نزدیک‌ترین دوره تاریخی به دوره معاصر برای فهم پی‌رنگ‌ها و فرم‌های اجتماعی کهن جامعه ایران است. خانواده به جهت دیرپایی تاریخی و نقش محوری‌اش در ساختن جامعه، مناسب‌ترین گزینه برای شناخت فرم‌های اجتماعی دوره سنت است. ازدواج یا همسرگزینی، نخستین و مهم‌ترین چارچوب سازنده خانواده است. اینکه چه انواعی از همسرگزینی در دوره قاجار وجود داشته و هر کدام چه کارکردی را دارا بوده‌اند؟ و معانی فرهنگی هر یک از این انواع و آئین‌های زناشویی دوره قاجار چه بوده است؟ را از طریق روش مطالعه اسنادی و تحلیل تاریخی مورد بحث قرار داده ایم. دستاورد کلی بحث نشان می‌دهد که همسرگزینی مبتنی بر نظام خویشاوندسالاری بوده است و فردیت نقش کم‌رنگی در آن ایفا می‌کرده است. شکل غالب همسرگزینی را تک‌همسری، چندهمسری، ازدواج دائم و موقت با محوریت مرد تشکیل می‌داد و هر یک از انواع یاد شده، به تولید و بازتولید «خانواده گسترده» می‌انجامید. همسان‌گزینی طبقاتی - فرهنگی بر گونه‌های مختلف ازدواج غلبه داشته است. دین و شریعت بستر حقوقی و ضامن بقای خانواده گسترده بوده است. آئین‌ها و مناسک مراسم ازدواج، بازتاب چیرگی

* استادیار پژوهشکده تاریخ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)،

m.ahmadzadeh@ihcs.ac.ir

** دانشجوی دکتری تاریخ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران،

mohammadniyazi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۳۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۱۷



فرهنگ جمع‌گرایانه بر فرهنگ فردگرایانه بوده و ساخت اجتماعی ازدواج در عصر قاجار، صورتی «زیستی طبیعی» داشته است.

کلیدواژه‌ها: ازدواج، همسرگزینی، ساخت اجتماعی، قاجار، خانواده، نظام خویشاوندی

۱. مقدمه

«ساخت اجتماعی» مجموعه روابط و مناسباتی است که میان دو فرد یا گروه یا دو طبقه یا طبقات اجتماعی برقرار است. نهادها و رفتارهای اجتماعی یا فرهنگی در جامعه بر اساس این روابط ترتیب و تنظیم می‌یابند. (بلوک‌باشی، ۱۳۵۴: ۶) با توجه به این تعریف دو رکن اساسی ساخت اجتماعی عبارتند از: مناسبات پایدار اجتماعی و قواعد و نظم‌های شکل‌دهنده رفتار اجتماعی. ساخت ازدواج به‌طور مستقیم بر ساخت اجتماعی خانواده مؤثر است. خانواده از طریق ازدواج، هستی اجتماعی خود را محقق می‌کند. تداوم خانواده، ارتباطات آن با سایر نهادها و ساختارهای اجتماعی و حیات درونی آن ناشی از تعامل خانواده‌ها با یکدیگر، ناشی از ازدواج است. متقابلاً سنت‌ها و رفتارهای جمعی خانوادگی نیز، مقوم صورت اجتماعی نوع نظام خویشاوندی و همسرگزینی هستند. این‌که چگونه رفتار اجتماعی درون خانواده شکل می‌گیرد و هنجارها چگونه ساخته شده‌اند و ریشه هر یک از آن‌ها در کجاست، در وهله اول به نوع و نحوه همسرگزینی باز می‌گردد. برای این الگویی ساخت ازدواج، باید چهارعنصر «انواع ازدواج»، «نحوه انتخاب همسر»، «سن ازدواج» و «مراسم ازدواج» شناخته شوند.

۲. سنخ‌شناسی انواع زناشویی

۱.۲ دائم و گسترده

در گام نخست سنخ‌شناسی از انواع زناشویی در دوره قاجار خواهیم داشت؛ قطعاً هر سنخ‌شناسی به منزله نوعی مطالعه تطبیقی خواهد بود. تمایز انواع یک پدیده اجتماعی از یکدیگر، در گرو شناخت فرم اجتماعی مرسوم است. مهم‌ترین و شاید تنها نوع همسرگزینی مقبول در عهد قاجار، «ازدواج» در بستر دین و فرهنگ سستی بود. به همین تبع در بطن سنت و دین، نیز ازدواج یک مرد و یک زن (تک همسری) و یک مرد با دو یا چند زن (چند همسری) مقبولیت بیشتری داشته است. بر اساس نظام فقهی مذهب تشیع، تک

همسری و چند همسری می توانست صورت حقوقی و شرعی دائم یا موقت داشته باشد؛ که از این میان ازدواج دائم گونه رایج به به شمار می رفت؛ اما تک همسری و چند همسری با وجود پذیرش اجتماعی بسته به طبقه اجتماعی و مکان زندگی (شهر یا روستا یا ایل) شیوع متفاوتی داشت.

سر جان ملکم غالب اشکال و انواع متفاوت ازدواج در ایران دوره قاجار را، هنجارهای پذیرفته شده اجتماعی می داند که دیانت و شریعت نیز آن را تأیید می کند «فتحعلی شاه و ناصرالدین شاه، صاحب حرمسرای بزرگ و زنان و فرزندان بسیاری بوده اند» (ملکم، ۱۳۶۹: ۱۹۴، ۱۶۹). به تبع آن، بسیاری از اشراف نزدیک به دربار نیز صاحب حرمهایی کوچکتر بودند. تعدد ازدواج شاه و درباریان علاوه بر میل و خواست شاه، متأثر از روابط قدرت و مصلحت های سیاسی نظیر تحکیم مودت بین اقوام و عشیره ها، تثبیت قدرت و یا تلاش برای نفوذ یک خاندان در دربار بود. (آبه، ۱۳۹۲: ۵) (والی زاده، ۱۳۸۰: ۴۶۰) (معزی، ۱۳۸۷: ۱۶۴) یکی از ناظران اروپایی دلیل داشتن حرمسرای بزرگ و زنان پر شمار ناصرالدین شاه را این گونه عنوان می کند:

اولاً با دوردست ترین و سخت راه ترین گوشه و کنار کشور ارتباط خود را حفظ می کرد. دویم؛ در بسیاری از مردم ایجاد علاقه و آن ها را به خود جلب می نمود و می فهماند که از هیچ یک از اتباع خود کناره گیری نمی کند. زن شاه شدن هم افتخار بزرگی بود که هر کسی را بدان دسترسی نیست. سوم؛ به وسیله زنان خود از کلیه آنچه که در سراسر کشور صورت می گرفت، اطلاع می یافت. چهارم؛ مکرر اتفاق می افتاد که به وسیله زنان خود با خویشاوندان متنفذ و نافرمان آن ها به گفتگو می پرداخت. گاهی آن ها را با مقاصد سیاست به عنوان دیدار قوم و قبیله به مأموریت می فرستاد یا خویشاوندان را به بهانه عیادت از فلان زن که بیمار شده یا دلش تنگ شده احضار می نمود. پنجم؛ این که بعضی از زنان اساساً حکم گروگان داشتند. (حجازی، ۱۳۹۲: ۱۵۴)

بدین طریق چند همسری در دربار قاجار نوعی الگوی عشیره ای و خانوادگی برای بسط سلطنت قاجار و ایجاد اشرافیت وابسته به خاندان قاجار و نیز جلوگیری از خیانت و وابستگی در سراسر کشور بود. حفظ خانواده ای بزرگ الگوی ازدواج دائم و سپس چند همسری، سرمشق ازدواج ایرانیان در دوره قاجار بود. دائم بودن ازدواج علاوه بر امکان

ازدیاد نسل، پیوندهای خانوادگی را نیز تقویت می‌کرد. چند همسری نیز در واقع، شکلی از نفوذ و تفوق اجتماعی بود که از سیطره یک خاندان بر خاندان‌های دیگر حکایت داشت. اما تحقق این تیپ ایده‌آل از ازدواج در دوره قاجار با موانعی روبرو بود. گزارش‌های چند همسری در این دوره که به ثبت رسیده، رواج این پدیده را بیشتر در میان طبقات بالای جامعه که وضع اقتصادی و رفاهی ممتازی داشته‌اند، نشان می‌دهد. آنچه درباره جمع‌آوری مجموعه‌ای از زنان سیاه چشم و گیسوطلایی و چاق و لاغر در اندرونی مردان گفته شده، غالباً مربوط به اعیان، تجار و کاسبان معتبر و مالکان و خاصه درباریان بوده است؛ زیرا که نگه‌داری زنان عقدی دائمی متعدد در ایران آن دوره، به لحاظ مالی و معیشتی ارزان تمام نمی‌شده است و مشکلات مالی، امکان چند همسری را محدود می‌ساخته است. کولیور رایس، همسر یک دیپلمات فرنگی این دوره، بر اساس مشاهدات میدانی خود در اواخر عصر قاجار، آماری احتمالی به دست داده است؛ تنها حدود یک بیستم مردان ایرانی، بیش از یک زن دائم داشته‌اند. (موسی‌پور بشلی، ۱۳۸۹: ۱۱۸) و این یعنی در میان انواع ازدواج دائم، تک همسری شیوع بیشتری داشته است. در واقع چند همسری برای سایر طبقات اجتماعی دارای تبعات و هزینه‌های هنگفتی بوده است، به همین جهت گرایش توده‌ها در مقایسه با نخبگان اجتماعی و اشراف، کمتر به نظر می‌رسد. لیدی شیل، دیگر ناظر اروپایی، دلایل این ترجیح اجتماعی را «افزایش هزینه‌های معاش و تأمین زندگی روزانه و رقابت بین همسران برای جلب محبت همسر و کسب امتیازات مادی و معنوی بیشتر» می‌داند (شیل، ۱۳۶۲: ۸۷). در رساله منظوم «مرد و آداب مردی در دوره قاجار» آمده است که همسران مردانی که چند زن دارند، همواره در رقابت با هووی خود به جادو و طلسم روی می‌آورند و با این کار هزینه گرانی به اقتصاد خانواده تحمیل می‌کنند (رحمانیان، ۱۳۹۱: ۳۲). پدیده تعدد زوجات بیش از پیش از آن‌که گویای واقعیت اجتماعی جاری در دوره قاجار باشد، نشان‌دهنده الگوی فرهنگی مسلط طبقه نخبه (سیاسی یا اقتصادی و اجتماعی) است. تعدد زوجات در کانون خانواده گسترده و نظام اجتماعی عشیره‌ای که به شهر بسط یافته بود، معنا می‌شد. این پدیده از سیطره اجتماعی پدر و مرد به عنوان ستون اصلی خانواده حکایت داشت (شیل، ۱۳۶۲: ۵۵). این اعتقاد در کنار عقاید دینی که مجرد زنان را در سنین بالا مذموم می‌شمارد، سبب شده بود که چند همسری امری نامعقول، به نظر نرسد. عنصر دائم بودن ازدواج و عنصر چند همسری (که نوعی ایده آل تایپ فرهنگی بوده است) نشان از تلاش جامعه مردسالار عصر قاجار، برای ایجاد یک نظام خویشاوندسالاری

گسترده و پایدار بوده است؛ به عبارت دیگر آن چه که عقاید جمعی را به خواست‌های فردی مردان در انتخاب نوع زناشویی - تک همسری یا چند همسری - پیوند می‌زده است، کانون خانواده بوده است. داشتن حرم‌سرا، خانه، بیت و عمارت، کیفیت اداره آن نشانه‌ای از این بود که زناشویی باید به تأسیس خانواده گسترده بیانجامد. زنان بسیار، فرزندان پرشمار، یعنی خانواده قوی‌تر و خانواده قوی‌تر، مولد مرد قدرتمندتر در عرصه سیاست و اقتصاد بوده است. از این رو دال مرکزی «خانواده» و «تملك» در ازدواج‌های گزارش شده در این دوره به ما می‌گوید، انتخاب تک همسری در این دوره را نباید صورتی از عشق زناشویی دو نفره با دلالت‌های جنسی به شمار آورد. هر چند که دائم بودن و گسترده بودن نهاد خانواده مسئله جنسی را تا حد زیادی لاقبل برای مردان مرتفع می‌کرده است. اما برای زنان، ازدواج صورتی از به تملك درآمدن خانوادگی و عشیره‌ای بوده است.

۲.۲ ازدواج موقت؛ مهار نیاز جنسی درون نهاد خانواده

در دوره قاجار علاوه بر ازدواج دائم، «صیغه» یا «ازدواج موقت» نیز رواج داشته است. هر چند فراوانی آن در بین طبقات مختلف و در میان قومیت‌ها و فرق مذهبی مختلف، متفاوت بوده است. (اورسل، ۱۳۸۲: ۳۱۷) در این نوع از ازدواج مرد می‌توانست، افزون بر زنان دائمی خود با زن یا زنان دیگری رابطه زناشویی کوتاه مدت برقرار کند. (کرزن، ۱۳۸۰: ۲۳۱) (دالمانی، ۱۳۸۰: ۲۶۹) (نجفی قوچانی، ۱۳۸۳: ۱۶۶) (راوندی، ۱۳۸۲: ۵۸). شریعت اسلامی و مجتهدان با اندیشه مهار امیال جنسی و عرف نیز به مثابه ابزاری که مسئله جنسی را در درون ساختار خانواده حفظ می‌کند، صیغه را در این دوره مجاز می‌شمردند؛ و از طرفی دیگر نظام شرعی - قانونی با این نوع ازدواج، مانع از زیادشدن فرزندان نامشروع در جامعه عصر قاجار جلوگیری می‌کرد. (کازاما، ۱۳۸۰: ۱۴۷، ۱۴۶) برای این نوع ازدواج در دوره قاجار، فراتر از جوازهای شرعی و عرفی، دلایل متنوع دیگری نیز مطرح بوده است؛ برای مردان دلایلی مانند نیاز به ارضاء میل جنسی در سفرهای تجاری، اداری و زیارتی، بیماری همسر دائمی، تنوع طلبی و استفاده از نیروی کار زنان صیغه‌ای در خانه‌داری یا کشاورزی، ارضای نیاز جنسی برای جوانانی که امکان ازدواج را نداشته‌اند یا نامزدهای آنان به سن بلوغ نرسیده بودند را ذکر کرده‌اند. (فلور، ۲۰۱۰: ۱۳۲) برای زنان نیز به عللی چون ارضاء میل جنسی، امید به دائمی شدن ازدواج، فقر، کسب درآمد جهت تأمین معاش را عنوان کرده‌اند. (دالمانی، ۱۳۳۲: ۲۶۹)

اگر چه بر طبق موازین شرعی، برای انجام ازدواج موقت، نیازی به تنظیم عقدنامه رسمی نبوده است، اما در گزارش‌ها آمده است که این عمل باید با ضوابط خاصی که تشریفات حقوقی نیز داشت، انجام می‌شد «این گونه قرارها توسط روحانیونی که عهده دار تنظیم قراردادهای ازدواج و زناشویی دائم بودند، ثبت و ضبط و انجام می‌پذیرفت (فلور، ۲۰۱۰: ۱۳۱). اهمیت عقدنامه داشتن در این بود که منافع مالی زن را تأمین می‌کرد، زیرا گاه مردان در پرداخت حقوقی شرعی کوتاهی می‌کردند. به همین جهت، غالباً مهریه‌ای که برای زنان صیغه‌ای تعیین می‌شده، نقدی بوده است. دالمانی شرایط ازدواج موقت را این گونه برمی‌شمارد: «وقتی بخواهند که زنی را صیغه کنند، وکیل مرد نزد وکیل زن می‌رود و مبلغی را که باید به زن داده شود، معین می‌کند و همین که موافقت حاصل شد صیغه‌ای را جاری می‌کنند و قرارداد کتبی را امضا می‌نمایند. شرایط متعه بر طبق دستورات مذهبی تبیین می‌شد (دالمانی، ۱۳۸۰: ۲۶۸، ۲۶۷)»

عامل مهمی که ازدواج موقت را از ازدواج دائم در این دوره متمایز می‌کند، شرایط آسان انجام آن بوده است. این نوع از ازدواج امکان جدایی زوجین را بدون هزینه‌های معمول حقوقی و مالی ازدواج دائم ممکن می‌ساخت. همین سهولت و در دسترس بودن صیغه به عنوان راه مشروع ارضای نیاز جنسی، روابط خارج از نظام خانواده و فحشا را کم می‌کرد؛ اما با توجه به شروط حقوقی و شرعی که در صیغه‌نامه‌ها ذکر شده و به آن‌ها اشاره گذرایی شد، با اطمینان نمی‌توان گفت که این شکل از زناشویی تنها به دلایل کارکردگرایانه انجام می‌شده است؛ در این نوع از پیوند زناشویی نیز، هم‌چنان هم پای نهاد خانواده در میان است. از آن‌جا که روابط جنسی صیغه و فرزندان حاصل از آن دارای مشروعیت حقوقی و شرعی بوده‌اند، کماکان نظام خانواده گسترده در دوره قاجار از این پدیده برای بقای خود سود می‌برد زیرا که ضمن ایجاد یک تکثرگرایی جنسی، امکان تضعیف خانواده گسترده را نداشته است.

۳. شیوه‌های همسریابی (درون همسرگزینی)

خانواده گسترده، هم در شکل‌دهی انواع ازدواج در دوره قاجار نقش اصلی را داشت و هم در فرآیند ازدواج و همسریابی محوریت داشته است. از آن‌جا که ازدواج در این دوره از خانواده آغاز می‌شود به خانواده نیز ختم می‌گردد، فردیت بسیار کم‌رنگی در فرآیند ازدواج دوره قاجار وجود دارد. البته مردان و زنانی بوده‌اند که بیرون از نظام خانواده، اقدام به

همسریابی فردمحور یا عاشقانه می‌کردند، اما همان‌ها نیز برای رسمی‌کردن و موجه‌کردن خود، گریزی از تن دادن به قواعد خانوادگی نداشتند. (ویلس، ۱۳۶۳: ۱۲۱). هم‌خونی، تأثیر بسزایی در ایجاد پیوند زناشویی داشته است. پیوندهای خونی و فامیلی، کارکردهای پرشماری برای خانواده‌ها و افراد به ارمغان می‌آورده که مهم‌ترین‌شان حفظ میراث فامیلی و نیز تقویت همبستگی اجتماعی و حفظ سازمان اجتماعی خانواده و عشیره بوده است. در میان خانواده‌های اشرافی و متمول، درون همسری از الزامات حیاتی برای تداوم قدرت و ثروت به شمار می‌رفته است. (دیولافوا، ۲۶۳: ۱۳۶۱)

خانواده‌های شهری برای انتخاب دختر متناسب با فرزندشان در محل‌های خاصی جستجو می‌کردند؛ در این دوره مکان‌هایی زیادی بیرون از سیطره نهاد خانواده وجود نداشت که در آن دختران دم‌بخت عرضه شوند؛ در مکان‌ها و کانون‌های جمعی مانند گرمابه‌های عمومی، مساجد و امامزاده‌ها، مجالس روضه و تکایای عزاداری و نیز مجالس بزم و شادی چون عروسی و ختنه‌سوران این کار انجام می‌شده است. این اماکن به خانواده‌ها و نیز «دلالت‌های ازدواج» این امکان را می‌داد که علاوه بر آشنایی با خانواده، دختران را به طور کامل برانداز کنند و به دنبال مواردی که در انتخاب همسر مهم برای‌شان مهم است بگردند؛ سن، قد، زیبایی، چاقی یا لاغری، داشتن یا نداشتن بیماری یا نقیصه ظاهری و البته نحوه آداب و معاشرت و سخن‌گفتن از جمله مواردی بود که در این مکان‌ها به خوبی هویدا می‌شد. (شهری؛ جلد سوم، ۱۳۷۶: ۴۲) این مکان‌ها فقط از آن‌رو که تنها محل‌های حضور اجتماعی توده زنان به شمار می‌رفت، واجد اهمیت نبود، بلکه این مکان‌ها، تناسب کاملی با انواع ازدواج در آن روزگار، اشکال خانواده ایرانی در عصر قاجار داشتند. انتخاب همسر باید به گونه‌ای صورت می‌گرفت که خصایص مهم و کارکردی زن و مرد لحاظ شده باشد. دختری که برای ازدواج انتخاب می‌شد باید بیشترین توانایی را در فرزندآوری، تربیت فرزندان و اداره منزل می‌داشت. قطعاً شناخت این خصایص به ویژه در مورد دختران در محیط‌هایی میسر بود که بیشترین سطح تماس اجتماعی را برای اعضای جامعه به همراه داشت. شناخت همسر، باید از طریق خانواده‌اش صورت می‌گرفت، شاید بتوان گفت زن خوب با خانواده خوب و قدرتمند و مرد خوب با خانواده اصیل و شرافتمند برابر بود.

گاهی اوقات که وصلت‌های خانوادگی به سرانجام نمی‌رسید و یا درون خانواده گزینه مناسبی برای پسران پیدا نمی‌شد و مادر، خواهر و خاله‌های پسر نمی‌توانستند برایش

دختری باب طبع پیدا کنند؛ کار به دست دلاله‌های ازدواج می‌افتاد؛ دلاله‌ها معمولاً افراد مسنی بودند که کارشان یافتن زن برای پسران جوانی بود که قصد ازدواج داشتند. برای برخی از آن‌ها این کار تا حدودی شغل به حساب می‌آمد. شخصی که واسطه ازدواج میان دو طرف بود، از خوبی‌ها و محاسن طرفین سخن می‌گفت؛ به عنوان مثال در مورد وضع مادی پسر، اخلاق نیکوی او در نزد خانواده عروس و از زیبایی دختر، میزان جهاز و اخلاق و متانت‌اش نزد خانواده پسر تعریف می‌کرد. خانواده داماد به همراه دلاله، دیدارهای مقدماتی با خانواده عروس داشتند و مطابقت و صحت گفته‌های دلاله را می‌سنجیدند و سپس برای خواستگاری رسمی می‌رفتند. (طلایی، ۱۳۹۳: ۴۰)

از آن‌جایی که غالب دختران و پسران دم‌بخت تا پیش از ازدواج یکدیگر را نمی‌دیدند و نقش‌شان در فرآیند انتخاب همسر بسیار کم بود، واسطه‌های ازدواج، اعم از خویشان نزدیک یا دلاله‌ها نقش پررنگی داشتند. حضور این واسطه‌ها فراتر از همسریابی بود. آن‌ها ضمن مبادله اطلاعات دختران و پسران بر ملاک‌های زناشویی نیز تأثیرگذار بودند. تشخیص ملاک‌های زیبایی و نیز تناسب میان دو طرف ازدواج، از مجرای آن‌ها صورت می‌گرفت. تعیین مصداق برای معیارهای ذهنی دو طرف کار دلاله‌ها بود. البته آن‌ها گاه سعی می‌کردند فراتر از این تصویرسازی، چهره واقعی همسران را به هم عرضه کنند. مثلاً شرایطی را فراهم می‌کردند که پسر بتواند از بام خانه همسایه نگاه دزدکی به همسر آینده خود بیاندازد و یا مجلسی را ترتیب دهند که پسر بتواند از پشت پرده چهره دختری را ببیند (درویل، ۱۳۸۰: ۱۰۸، ۱۰۷) اما عمدتاً این دلاله‌ها سعی می‌کردند با تکیه بر «همسانی خانوادگی» که در شرع به آن «هم کفو بودن» گفته می‌شد، دختران و پسران هم‌شأنی را برای یکدیگر برگزینند.

برای رفتن به خواستگاری، معمولاً منطبق بر ایام مبارک دینی یا بر طبق قواعد نجومی، ساعات و ایام سعد و نحس انتخاب می‌شد و در آن روز اقدام به خواستگاری انجام می‌شد. (شهری؛ جلد سوم، ۱۳۷۶: ۴۵). صحنه مراسم خواستگاری در این دوره، از ویژگی متمایز و متناقض‌نما برخوردار بود. در این صحنه، خانواده‌ها در عین سنجش یکدیگر برای ایجاد پیوند فامیلی، باید طوری رفتار می‌کردند که اشتیاق خود به وصلت زناشویی و در عین حال امتیازات خانواده و فرزند خود را نیز منکر نشوند. (شهری؛ جلد سوم، ۱۳۷۶: ۵۲). آگاهی‌هایی نظیر وضع اقتصادی و پرستیژ اجتماعی را می‌شد قبل از جلسه خواستگاری

کسب می شد، اما اطلاع از آداب دانی، تقید به شریعت، مناسک دینی و سنت‌های فرهنگی جز با مراسم خواستگاری مقدور نبود.

از وظایف مهمی که زن‌ها در مراسم خواستگاری باید انجام می‌دادند، آزمایش هنر و معلومات خانه‌داری و آگاهی دقیق از وضع جسمانی و ظاهری دختر بود. اطلاعات و تطابق آن با معیارها با اولویت‌های متفاوتی جمع‌آوری می‌شدند. به طور مثال از آن‌جایی که بسیاری از ازدواج‌ها در سنین پایین صورت می‌پذیرفت، عدم آگاهی از برخی مسائل خانه‌داری اهمیت و اولویت کمتری از زیبایی، سلامت جسمی و تقید به هنجارهای دینی و عرفی نظیر پوشیدگی و حیا داشت (شهری؛ جلد سوم، ۱۳۷۶: ۶۳) خواستگاری به نوعی، جلسه تطبیق شنیده‌ها با دیده‌ها و تطبیق شرایط زیرساختی (اقتصادی و اجتماعی) بیرونی با شرایط روساختی فرهنگی و درونی خانواده بود. البته در این مقایسه، ارجحیت با شرایط زیرساختی بود؛ چه بسیار دختران زیبا و خانه‌دار که به واسطه وضعیت نابسامان اجتماعی و اقتصادی خانواده‌شان از همسران خوب بی بهره بودند و چه پسران برومند و توانمندی که به واسطه پایگاه اجتماعی ضعیف خانواده‌شان نمی‌توانستند به دختر مورد علاقه‌شان برسند.

۱.۳ ازدواج پایان دوره کودکی

در جامعه عصر قاجار، فاصله زیادی بین دوران کودکی و ازدواج وجود نداشت و کودکی با واسطه‌ای کوتاه، به بزرگسالی پیوند می‌یافت. سن مناسب همسرگزینی، معمولاً، یک دهه پس از آغاز بلوغ جنسی بود. تقریباً دختران از ده تا بیست سالگی و پسران از حدود پانزده تا بیست و پنج سالگی ازدواج می‌کردند. (فوروکاوا، ۱۳۸۴: ۱۹۶) از گزارش‌های نظمی در دوره ناصرالدین شاه چنین بر می‌آید که سن پایین ازدواج تقریباً در بین همه طبقات و گروه‌های اجتماعی مختلف وجود داشت. حتی در میان اشراف و درباریان و متنفذین به دلیل مصلحت‌ها و منافع سیاسی ازدواج در سنین پایین بسیار رواج داشت. عقد و نامزدی شاهزادگان خردسال در بین خاندان قاجار و درباریان امر غریبی نبود. (نویسی، ۱۳۷۶: ۳۰) (اتحادیه، ۱۳۷۳: ۲۱) علاوه بر این رواج چند همسری در بین افراد ثروتمند، سبب شده بود که آن‌ها بتوانند دختران را در سن پایین به عقد خود درآوردند. (ترابی، ۱۳۸۸: ۵)

رسیدن به سن بلوغ، شرط لازم برای نامزد شدن برای ازدواج و پایان کودکی به شمار می‌رفت. بلوغ در این دوره از دو عامل «تکامل جنسی» و «مکلف شدن شرعی» تشکیل

می‌شده که این دو تا حدی زیادی بسته به شرایط زندگی با هم تطابق داشتند. در زندگی روستایی و عشایری، این دو تقریباً بر هم منطبق بودند و در شهر اندکی از هم فاصله می‌گرفتند. از این رو دو عامل شکل دهنده سن ازدواج، از دو رکن مهم طبیعت و شریعت سرچشمه می‌گرفتند. هر کدام از این ارکان، با خود مجموعه‌ای از باورها، هنجارها و لوازم عملی و رفتاری را در پی داشت. باورهای دینی بر این تأکید می‌کرد که دختران باید زود به خانه بخت بروند، به همین جهت سعادتمندترین دختران آن‌هایی بودند که در خانه شوهر به بلوغ کامل می‌رسیدند؛ و از طرف دیگر شرایط اجتماعی ایجاب می‌کرد تا سن بلوغ، معیاری مهم برای ازدواج به حساب آید. تأخیر در امر ازدواج به پس از دوران بلوغ، امکان «بازتولید نسل» و «جانشینی جمعیت» در سن باروری را از جامعه‌ای که میزان مرگ و میر در آن بالا بود، سلب می‌کرد. (طلایی، ۱۳۹۳: ۴۰) اگر چه این هنجار غالباً به طور کامل به اجرا در نمی‌آمد، اما گویای این واقعیت بود که ازدواج در سن پایین برای جامعه و شرع مقدس کارکردهای حیاتی داشت. دختران و پسران اختیار اندکی در انتخاب همسر آینده خود داشتند.

البته به مانند همسرگزینی، در سن ازدواج هم تفاوتی بین دائم و موقت وجود داشت. سن زنان و مردانی که به صیغه روی می‌آوردند بالا بود. در مورد زنان، صیغه کردن زنان بیوه را مناسب‌تر می‌دانستند. زنان بیوه هم که بر اثر فوت شوهر یا طلاق، به عقد موقت در می‌آمدند غالباً در سنین بالای چهل سال و حتی یائسگی به سر می‌بردند. صیغه کردن چنین زنانی در سنین بالا، نه تنها قبح اجتماعی و عرفی نداشت، بلکه دلالت‌های شرعی و دینی نیز آن را تأیید می‌کردند. (قوچانی، ۱۳۸۳: ۱۶۵)

۴. مهریه؛ تداوم حقوقی - اقتصادی خانواده در فرآیند ازدواج

یکی از مسائلی که باید پس از خواستگاری برای آن تعیین تکلیف می‌شد، مهریه بود. بر طبق سنت اسلامی ضمانتی را که برای قرارداد عقد در نظر گرفته می‌شد، «مهریه» می‌نامیدند. این ضمانت از سوی شوهر و خانواده‌اش برای دختری که به عقد مرد، درمی‌آمد، داده می‌شد و شامل مالی بود که زن به واسطه ازدواج، مالک آن و مرد ملزم به پرداخت آن به زن می‌شد. مهریه در این دوران و متأثر از فقه شیعه بر سه قسم بود؛ «مهر المسمی»، «مهر المثل»، «مهر المفوضه». در صورت نخست؛ زوجین و نمایندگان آن‌ها که غالباً از خانواده‌هایشان بودند مالی معین اعم از نقدی یا جنسی را به طور دقیق مشخص نموده و

در مهرنامه ثبتی کردند. در مهرالمثل، میزان مال به طور دقیق معین نمی شد، بر حسب عرف و با توجه به وضع اجتماعی و اقتصادی دختر و با در نظر گرفتن مقتضیات زمان و مکان تعیین می شد؛ و در نوع سوم برای زن، مهرالمثل و یا آنچه که یکی از طرفین مقرر می کرد، مقرر می شد. (علی زاده، ۱۳۸۵: ۲۴)

تعیین کمیت و کیفیت مهریه یکی از چالش برانگیزترین مراحل ازدواج در این دوره بود. علت اصلی حساسیت این مسئله ناشی از این بود که مبلغ مهریه نشانی از حیثیت و رتبه اجتماعی بود. خانه، باغ، دام، پول نقد، طلا و نقره، جواهرات عواید حاصل از اجاره و عمران (خانه، باغ، دام و احشام) از مهم ترین مواردی بودند که برای مهریه در دوره قاجار تعیین می شدند. (علی زاده، ۱۳۸۵: ۲۵) (طیبانی، ۱۳۵۳: ۴۴) معمولاً بحث ها و رفت و آمدهای زیادی بین دو خانواده برای تعیین مهر انجام می شد و یا اینکه تعیین آن به بزرگ خانواده یا ریش سفیدانی از دو خانواده سپرده می شد. در مناطق شهری بیشتر مبالغ نقدی و ملک و در مناطق روستایی دام و زمین مورد ضمان قرار می گرفت. غالباً پس از مشخص شدن مهریه، سند آن تحت عنوان «مهرنامه» تنظیم می شد. (اتحادیه و روحی، ۱۳۸۵: ۳۷)

آنچه در مهرنامه ها مقرر شده بود، بنا به خواست زن و یا در صورت طلاق قابل وصول بود، اما غالباً این اتفاق نمی افتاد. (دروویل، ۱۳۷۰: ۱۰۸) می توان گفت که مهریه در این دوران، تنها کارکردی حقوقی در جهت قوام زناشویی داشته است، باید اهمیت و جنبه های اجتماعی نیز برای آن متصور شد. این امر از دو عامل ناشی می شد؛ پایین بودن متارکه (طلاق) در ازدواج و دیگر پشتیبانی سنت از نهاد خانواده. از آنجا که طلاق در این دوره زیاد صورت نمی گرفت، دریافت مهریه هم موضوعیت نمی یافت و از سوی دیگر وابستگی فرآیند ازدواج به نظام خویشاوندی، دریافت مهریه را متأثر از خواست زوجین مشکل می نمود. علاوه بر این در دوره قاجار، «انگاره های فرهنگی» در مورد ازدواج وجود داشت که طلب مهریه را فقط در هنگام متارکه جایز می شمرد. این جمله بسیار مرسوم در آن دوره بود: دختران باید با لباس سپید به خانه شوهر بروند و با کفن سفید خانه شوهر از آنجا بیرون بیایند. (مونس الدوله، ۱۳۸۰: ۶۸)

گزارش ها از مناطق روستایی و طبقات پایین اجتماع وجود دارد که از تعیین ارقام ضروری زندگی در مهرنامه و عقدنامه حکایت دارد. اقلامی چون رخت خواب، فرش، ظروف مسی آشپزخانه، البسه زنانه و سایر لوازم منزل در مهریه معین و همه یا بخشی از آن نیز در ابتدا و یا پس از خطبه عقد دریافت می شده است. (علی زاده، ۱۳۵۷: ۵۷، ۲۷) در قبال

مهریه که تعهدی از سوی خانواده داماد به حساب می‌آمده است، خانواده عروس تعهداتی نظیر تهیه جهیزیه (اسباب ضروری زندگی)، اسباب و لوازم آرایش و همچنین برپایی حجله عروس را بر عهده می‌گرفتند، هر چند که در این موارد هم گزارش‌های موجود است که از مشارکت خانواده داماد در این اقدامات حکایت می‌کند. (دروویل، ۱۳۸۰: ۱۰۸) پس از خواستگاری در جلسه‌ای که در فرهنگ عامه «بله‌بران» نامیده می‌شد، مبلغی به عنوان حق مادر عروس، تحت عنوان «شیربها» و مبلغی نیز جهت برگزاری مراسمی قبل از عقد تحت عنوان «حنابندان» معین می‌شد. این مرحله نیز یکی از سخت‌ترین و پرچالش‌ترین قسمت‌های فرآیند ازدواج بود. مناقشه بر سر هر یک از مناسک و مراسم‌های یاد شده، می‌توانست کل ازدواج را منتفی سازد. (شهری؛ جلد سوم، ۱۳۷۶: ۶۵)

سنت مهریه که حاصل امتزاج فقه شیعه و فرهنگ ایرانی بود، نشانی از امتداد خانواده گسترده در شکل‌دهی ساخت ازدواج بود. خانواده گسترده، با آئین مهریه ساختار مالی و حقوقی را برای ازدواج ایجاد می‌کرد. آن طور که از گزارش‌ها استنباط می‌شود، در سنت مهریه وجوه فرمال (اجتماعی) و حقوقی بر بعد مالی آن می‌چربیده است. در بعد اقتصادی هر چند به نظر می‌رسد که مهریه و شیربها، در برابر جهیزیه قرار گرفته‌اند، اما در عین حال جمع سرمایه‌های حاصل از این مناسک، به تأمین هزینه‌های برگزاری عروسی و ایجاد یک خانواده جدید کمک شایانی می‌کرد و زیرساخت مادی ازدواج را فراهم می‌آورد. افزون بر این مهرنامه‌ها و مفاد آن سراسر بود از نشانگان فرهنگی که بیانگر وضع طبقاتی و پرستیژ اجتماعی خانواده‌ها بود.

۵. مراسم عروسی؛ آئینه میثاق خانوادگی

پس از شناخت کامل عروس و خانواده‌اش و تعیین مهریه و سهمی که در برپایی و سامان دادن خانه آینده هریک از عروس و داماد باید به عهده گیرند و جهیزیه‌ای که باید خانواده دختر فراهم کنند، سپس روزی مبارک برای مراسم «نامزدی» یا «شیرینی‌خوران» تعیین می‌شد. (رایس، ۱۳۸۳، ص ۱۰۵-۱۰۶) در مراسم نامزدی، پسری که برایش دختری نشان شده است، به حضار معرفی و اعلام می‌شده است؛ این مراسم بدان معنا بود مرد از آن روز به بعد، قول ازدواج به نامزدش داده است و سپس روز عقدکنان را تعیین می‌کنند (دروویل، ۱۳۷۰: ۱۰۸). مجلس شیرینی‌خوران، غالباً مجلسی زنانه بوده است که در آن، خانواده داماد، هدایایی از جمله «طاقه شال ترمه» رابه عروس پیشکش می‌کرده‌اند. علاوه بر

طاق شال ترمه، چند خوانچه (سینی تزئین شده) و شاخه نبات از قبل (پیش از ظهر) به منزل عروس می‌فرستادند و زنان محترم خانواده داماد بعد از غروب آفتاب، به منزل عروس می‌رفتند. چای، شربت و شیرینی خورده و حلقه نامزدی به دست عروس می‌کردند. (کتیرایی، ۱۳۴۸: ۱۲۹) شیرینی‌خوران در واقع موافقت نهایی دو خانواده با قرارهای خواستگاری محسوب می‌شد و تنها آنچه باقی می‌ماند برگزاری مراسم و تأیید شرعی بود. برهم خوردن قرار ازدواج در این مرحله از سوی هر یک از طرفین، معمولاً تبعات دشواری را برای خانواده‌ها، به خصوص خانواده دختر به همراه داشت. حادثه‌ترین پیامد این واقعه می‌توانست، بدنام شدن دختر باشد و کمترینش برزبان افتادن اسم او در میان آشنایان و بستگان و اهل محل بود. (دروویل، ۱۳۷۰: ۱۰۹)

یکی از موارد مهم برای برگزاری مراسم عروسی تعیین ساعات سعد و مبارک برای عقد بود. امضای قبالة ازدواج معمولاً به وکلایی از فامیل و آشنایان عروس و داماد سپرده می‌شده است که حاکی از چیرگی نهاد خانواده بر فرآیند ازدواج بوده است. وجود شاهدان جهت قانونمندی مراسم ازدواج مطابق با قوانین شرعی ضروری بود که از میان افراد مورد اعتبار و احترام محلی و از میان بزرگان خانواده انتخاب می‌شدند. حضور شاهدان در مراسم عقد علاوه بر رسمیت بخشی شرعی و عرفی در صحت عقد، دلالتی بر رتبه اجتماعی خانواده‌های برگزارکننده مراسم عروسی بود. هر چه صاحب مراسم ثروتمندتر می‌بود، شاهدان نیز بیشتر بودند. (حاتم، ۱۳۹۳: ۴۰) بسیاری از این اطلاعات در عقدنامه‌ها ثبت شده است. قبالة‌های عقد به جا مانده از این دوره به ما می‌گویند که تفضیل القاب و مقامات با مقام اجتماعی زوج و یا پدران زوجین مرتبط بوده است. هر چه این القاب به هم شبیه‌تر باشند، همسانی بیشتری در میان ازدواج‌ها دیده می‌شود. علاوه بر این قبالة‌های عقد در دوره قاجار از محل سکونت خانواده‌ها و نیز نوع خویشاوندی و نیز رابطه آن با همسرگزینی نیز حکایت می‌کنند. (منتظمی، ۱۳۸۴: ۷۶)

آن چه در این مرحله از پدیده ازدواج برجسته به نظر می‌رسد، حضور پررنگ آموزه‌های دینی است. دین و شریعت ضامن قرارداد ازدواج می‌شود. این ضمانت از ابتدای فرآیند ازدواج تا پایان آن به صورت آشکار و پنهان وجود داشته است. نکاحیه‌ها و مهرنامه‌ها به عنوان سند‌های ثبتی ازدواج در دوره قاجار، بازگوکننده نقش دین در ساخت اجتماعی ازدواج هستند. قبالة‌های ازدواج، غالباً با ستایش حضرت حق و تحمیدیه پیامبر (ص) و ائمه (ع) آغاز شده و سپس با ارجاع به متن کتاب خدا و روایات معصومین (سنت)،

بر ضرورت پیوند زوجیت تاکید کرده و نیز با شرح شروط ضمن عقد و تعهدات طرفین اعم از (منقول و غیر منقول)، در نهایت با دعای طلب خیر و ازدیاد نسل برای زوجین پایان می‌یابد. در بخش تعهدات قباله‌های ازدواج، یک جلد کلام الله مجید در سرلوحه تعهدات زوج به زوج قرار می‌گرفت، که اهمیتی نمادین داشت. (احمدی، ۱۳۵۶: ۱۱۳) (بیانی، ۱۳۸۸: ۷۳۸). حضور دین در ساخت اجتماعی ازدواج را تنها نباید نمادین دانست. شریعت شیعه برای همه ابعاد همسرگزینی شامل نوع، سن ازدواج و شیوه همسرپایی تا مراسم شب زفاف، مانیفستی اجرایی و پروتکلی شبه حقوقی در غالب «رساله‌های عملیه» داشت. البته تفسیر این دستورالعمل‌های حقوقی و فرهنگی، در مناطق مختلف بر عهده «علمای بلاد» و «بزرگان طوایف و نظام خویشاوندی» بود.

در روز برگزاری مراسم عقد که از آن تحت «عقد کنان» یاد می‌شده است، اقوام و آشنایان خانواده عروس و داماد دعوت می‌شدند تا خطبه عقد جاری شود. در مراسم عقدکنان، زنان و مردان از هم جدا بودند و فقط روحانی عاقد می‌توانست به قسمت زنانه برود؛ یعنی به آستانه اتاقی که در آن عروس و مهمانان حضور داشتند. (حاتم طلایی، ۱۳۹۳: ۴۲) بسیار اتفاق می‌افتاد که عروس و داماد حتی در روز عقد نیز یکدیگر را نمی‌دیدند. داماد در اتاقی و عروس در دیگری که با پرده‌ایحائل شده بود، انتظار قرائت خطبه عقد را می‌کشیدند تا پاسخ مثبت دهند و به وصال برسند. (درویل، ۱۳۷۰: ۱۰۸) این پدیده غالباً به این دلیل پیش می‌آمد که ازدواج بیشتر رابطه اجتماعی بین دو گروه خویشی و عشیره‌ای بود تا رابطه‌ای فرد با فرد.

فاصله بین زمان عقد و عروسی معمولاً کوتاه بوده است و معمولاً به یک ماه نمی‌رسیده است. روزهای قبل از عروسی جهیزیه دختر به همراه ساز و دهل و در معیت هیئتی از بستگان عروس به خانه شوهر انتقال می‌یافت. (شیل، ۱۳۶۲: ۸۶) معمولاً خانواده داماد در «مراسم جهاز بران»، جهیزیه دختر را تحویل می‌گرفت و گاه فهرست کاملی از آن تهیه می‌کرد. به همراه جهیزیه شخصی از خانواده عروس می‌آمد و صورت جهاز را به همان ترتیبی که چیده شده بود، همراه داشت که تحویل یکی از بستگان داماد می‌داد و رسید آن را دریافت می‌کرد. (طلایی، ۱۳۹۳: ۴۳) روز اول عروسی از جانب داماد برای عروس مقداری حنا فرستاده می‌شد تا موها و دست و پایش را حنا ببندد. او نیز در همان روز یا روز قبل از آن به همراه دختران جوان به حمام می‌رفت و حنا می‌گذاشت. به این مراسم «حنابندان» گفته می‌شد. داماد هم به همراه دوستانش به حمام می‌رفت و خانواده عروس در بقیچه‌ای

برای داماد لباس نو می فرستادند. حامل این هدایا انعامی از داماد دریافت می کردند. این روز با جشن و سرور زیادی همراه بود. معمولاً در این جشن هنروران نمایش‌هایی اجرا می کردند که از آن با نام نمایش «رو حوضی» یاد می شود.

البته این گونه مراسم‌های پرخرج خاص بازاریان و اشراف بوده است، این مراسم در حکم نوع مطلوب و معیار فرهنگی عموم به شمار می رفته است که بسته به شرایط اقتصادی، قومیت و زیست بوم و نیز مذهب هر منطقه، به انحاء متفاوت اجرا می شده است.

در روز عروسی داماد برای بردن عروس می آمده و او را بر روی اسبی که جهاز آن تزئین شده بود، سوار می کرده است. در این حین شماری از مردان و زنان فامیل هم او را همراهی می کردند. (دروویل، ۱۳۷۰: ۱۱۰) جشن و شادی عروسی‌ها معمولاً بر حسب موقعیت خانواده زوجین معمولاً از سه روز تا یک هفته و در خانواده‌های اشراف تا چند هفته ادامه پیدا می کرد. فرآیند مراسم عروسی و جزئیات آن تا حد زیادی تناظر مستقیمی با طبقه اجتماعی خانواده‌ها داشت. هدایای گرانبهای داماد، جهیزیه با شکوه که بر بار شتر و قاطرها و اسب‌هایی که به زیبایی یراق شده بودند مایه شکوه و جلال عروس و خانواده او بود. جشن عروسی برای زنان و کودکان از اهمیت فراوانی برخوردار بود. (سرنا، ۱۳۶۳: ۳۲۲) عروسی از جمله فضاهای عمومی بود که به زنان و دختران امکان حضور در مجامع عمومی و تجربه‌هایی فراتر از زندگی بسته خانواده گسترده را می داد. شناخت افراد و خانواده‌های جدید در عروسی موجب افزایش دامنه نفوذ افراد می شد. هم‌چنین در مراسم ازدواج غالباً محملی برای بازتولید اجتماعی و ایجاد چرخه پدیده ازدواج در خانواده‌های دیگر بود.

۶. امر جنسی و ازدواج

یکی از بحرانی‌ترین مسائل در فرآیند ازدواج در دوره قاجار، مراسم شب زفاف و آشنایی عروس و داماد جهت انجام رابطه جنسی بوده است. از آنجایی که نقش خانواده انتخاب همسر و برگزاری عروسی، بسیار پررنگ بوده است. به همین جهت امکان آشنایی قبل از ازدواج برای بیشتر پسران و دختران - به ویژه در مناطق شهری - محدود بوده است. آشنایی بسیاری از زوجین قبل از ازدواج محدود به توصیفات بستگان و دلاله‌ها و نیز مختصر دید و بازدیدهایی که ممکن بود به صورت پنهانی یا آشکار در مراسم خواستگاری و شیرینی‌خوران (نامزدی) و یا در حاشیه آن صورت بگیرد. از این رو اتفاقی نبود که شماری

از عروس‌ها و یا حتی دامادها در هنگامی که در موقعیت شب زفاف و زناشویی قرار می‌گرفتند از هوش بروند و یا راضی به این کار نشوند.

این پوشیدگی که در حین فرآیند همسریابی و عروسی در تمام مراحل آن توسط خانواده وجود داشت، کارکردی دوگانه داشت؛ خانواده مسئله جنسی را به طور کامل تحت سیطره و نفوذ خود داشت و بر آن نظارت شدید می‌کرد؛ اما روی دیگر سکه این پوشیدگی سبب می‌شد، تمایلات جنسی در زوجین زنده و متمرکز باشد. از این رو مفهوم «بکارت» از موارد مهمی است که در فرهنگ زناشویی به عنوان یک عامل زیستی فرهنگی، حضور دارد. هر چند در دین اسلام و مذهب شیعه، قید بکارت موجب ابطال عقد نمی‌شود، اما در دوره قاجار صحت عروس و تشخیص بکارت و تاکید ضمنی بر باکره بودن دختر، به عنوان یک شرط مسلم ضمنی در پیوند زناشویی مطرح می‌شده است. به همین جهت در قباله‌های عقد بر «دوشیزه» بودن عروس تاکید می‌شود و در این صورت صفاتی چون «مستوره»، «عقیقه»، «عصمت‌پناه» و مانند آن به دنبال نام زوجه ذکر می‌شود. (متظمی، ۱۳۵۳: ۶۵)

دروویل در گزارش خود مراسم زفاف یا شب حجله (اولین تعامل جنسی زوجین) را این گونه شرح می‌دهد: «موقعی که زن‌ها از ورود داماد آگاه شدند صورت عروس را می‌پوشانند. بر طبق آداب و رسوم داماد باید به دست خود نقاب از چهره عروس بردارد...» (دروویل، ۱۳۷۰: ۱۱۰) پس از انجام مراسم زناشویی رسم بر این بوده است که تازه داماد و عروس، به مدت سه روز در بین عموم خانواده ظاهر نشوند و دیگران نیز مزاحمتی برای آن‌ها ایجاد نکنند. (مستوفی، ۱۳۸۴: ۳۵۰) گویا این رسم تلاشی برای سازگار کردن اخلاقی و حتی جنسی زوجین بوده است و شاید نشانه‌ای بر این که فرآیند اجتماعی ازدواج با برگزاری مراسم شب زفاف، پایان یافته تلقی نشده و خانواده از صحت و دوام آن مراقبت می‌کردند. عبدالله مستوفی درباره مراسم پس از عروسی و زفاف می‌نویسد: روز بعد از عروسی هم مجلسی به اسم «پاتختی» می‌گرفتند و مطرب هم برای این روز خبر می‌کردند (مستوفی، ۱۳۸۴: ۳۵۰) فرستادن خوراکی‌ها هم نمادی از حمایت معنوی خانواده‌ها از زوجین بود و هم‌چنین مطابق درک سنتی از طب، قوای جسمانی آن‌ها را پس از انجام اعمال زناشویی تقویت می‌کرد.

۷. نتیجه‌گیری

در این دوره عوامل اجتماعی که در ازدواج دخیل هستند، معمولاً فراتر از خواست و میل زوجین عمل می‌کردند؛ زن و مرد آخرین حلقه زنجیری بودند که پدیده ازدواج را شکل می‌دادند. به تبع همین شرایط، فردیت در پایین‌ترین سطح قرار داشته است. ازدواج بیرون نهاد خانواده نمی‌توانسته است معنا شود. افراد و نقش‌های اجتماعی درگیر در امر ازدواج همه از اعضای خانواده گسترده و یا نهایتاً همسایه‌ها بوده‌اند؛ نقش نهادهایی مانند دولت و نظام سیاسی در حداقل ممکن بود.

نهاد خانواده سستی در این دوره، درون خود تنوعی از ازدواج را در بین اقشار و طبقات اجتماعی و نژادهای مختلف ممکن می‌کرده است. ازدواج دائم تک همسری و چند همسری و نیز ازدواج موقت (صیغه) گونه‌های از ازدواج بودند که با محوریت مرد انجام می‌گرفت. هر یک از این گونه‌ها بسته به شرایط مرد و کارکردهایش برای خانواده، امکان ظهور و بروز داشته‌اند. چندهمسری در عین پاسخگویی به تنوع طلبی‌های جنسی مردان در درون خانواده، نوعی از نمایش قدرت و پرستیژ اجتماعی و نیز راهی برای افزایش تولید مثل - به عنوان یکی از مولفه‌های خانواده قدرتمند - بوده است. آنچه در تمام انواع ازدواج و خانواده در دوره قاجار مشترک به نظر می‌رسد، شکل‌گیری و سنخ‌بندی ازدواج مبتنی بر نیازهای خانواده گسترده است. حتی ازدواج موقت که عمدتاً به دلایل «کارکردی - جنسی» انجام می‌گرفت، خارج از چارچوب خانواده نبود.

ازدواج‌ها در دوره قاجار غالباً در میان خانواده‌های هم‌شأن و هم‌شأن انجام می‌شد. هم‌سانی عروس و داماد از طرق مختلف محقق می‌شد؛ خویشاوندی (خون و اصالت)، صنف، طبقه، دین و آداب و رسوم مشترک همسانی‌های مهمی بودند که در پیوند زناشویی باید رعایت می‌شدند. تقریباً عموم ازدواج‌ها در دل شبکه‌ای از پایگاه‌های اجتماعی مشترک شکل می‌گرفت. این شبکه از طریق همسان‌گزینی در ازدواج، علاوه بر گسترش نظام خویشاوندی، موجب تقویت همبستگی گروهی و قومی یا حتی مذهبی می‌شد. یکی دیگر از موارد مهمی که از بررسی تاریخ ازدواج در دوره قاجار می‌توان استنباط کرد، تسلط شریعت اسلامی بر ساختار حقوقی پدیده ازدواج است. البته فقه در ارتباط با نظام خانوادگی در این عصر، پاره‌ای از اختیارات را به ریش‌سفیدان و بزرگان خانواده واگذار می‌کرده است. فراتر از قواعد حقوقی - دینی به حل و فصل مشکلات پردازند.

آئین‌های عروسی در دوره قاجار نیز به نوعی تکریم و تمجید خانواده‌ها از یکدیگر بود. در واقع همه مراسم‌های طرفین نوعی پاسخ و احترام متقابل به حساب می‌آمد. مناسکی نظیر مهریه و شیربهاء در برابر جهیزیه، حنابندان در برابر عقدکنان بر اساس این تقابل‌ها شکل می‌گیرند. بر اساس این روابط دوگانه میان خانواده‌ها، مهم‌ترین بخش عروسی، انجام مراسم شب زفاف بوده است. مراسمی که در طی آن باید، توفیق خانواده دختر در تربیت فرزندی عقیف و پاکدامن به اثبات می‌رسیدها در قبال خانواده پسر، سربلند می‌شده‌اند. مهم‌ترین دریافتی که از شبکه روابط اجتماعی حول ازدواج و شرایط زیربنایی و روئینایی پدیده ازدواج دوره قاجار می‌توان داشت، صورت زیستی - طبیعی این پدیده است که نسبت به مسئله جنسی و توالی نسل اولویت می‌داد.

کتاب‌نامه

- اتحادیه و روحی، منصوره، سعید (۱۳۸۵). در محضر شیخ فضل‌الله نوری؛ اسناد حقوقی عصر ناصری، تهران: نشر تاریخ ایران.
- اورسل، ارنست (۱۳۸۲). سفرنامه قفقاز و ایران، ترجمه علی‌اصغر سعیدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- حجازی، بنفشه (۱۳۹۲). تاریخ خانم‌ها؛ بررسی جایگاه خانم‌ها در عصر قاجار، تهران: نشر قصیده‌سرا.
- دالمانی، هانری رونه (۱۳۳۵). سفرنامه از خراسان تا بختیاری، ترجمه محمدعلی فره‌وشی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- دروویل، گاسپار (۱۳۸۰). سفر در ایران، ترجمه منوچهر اعتماد مقدم، تهران: نشر شباوین.
- دیولافوا، ژان (۱۳۶۱). سفرنامه مادام دیولافوا: ایران و کلد. ترجمه همایون فره‌وشی، تهران: نشر خیام.
- راوندی، مرتضی (۱۳۸۲). تاریخ اجتماعی ایران، تهران: انتشارات نگاه، چاپ دوم.
- رایس، کلارا کولیور (۱۳۸۳). زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنان: سفرنامه کلارا کولیور رایس، ترجمه اسدالله آزاد، تهران: نشر کتابدار.
- سرنا، کارلا (۱۳۶۳). مردم و دیدنی‌های ایران؛ سفرنامه کارلا سرنا، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران: نشر نو.
- سعدونیان، سیروس (۱۳۸۰). خاطرات مونس الدوله، ندیمه حرمرسرای ناصرالدین‌شاه، تهران، زرین.
- شهری باف، جعفر (۱۳۷۶). طهران قدیم؛ جلد سوم، تهران: نشر معین.
- شیل مری لئونورا (۱۳۶۲). خاطرات لیدی شیل همسر وزیر مختار انگلیس در اوایل سلطنت ناصرالدین‌شاه، ترجمه حسین ابو ترابیان، تهران: نشر نو.

ساخت فرهنگی - اجتماعی نهاد ازدواج در دوره قاجار ... (محمدامیر احمدزاده و محمد نیازی) ۲۱

فلور، ویلم (۲۰۱۰). تاریخ اجتماعی روابط جنسی در ایران، ترجمه محسن مینوی خرد، استکهلم: انتشارات فردوسی.

فوروکاوا، نوبویوشی (۱۳۸۴). سفرنامه فوروکاوا، ترجمه هاشم رجب‌زاده و کینیچیئه‌اورا، تهران: انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

کازاما، آکی‌یو (۱۳۸۰). سفرنامه کازاما، ترجمه هاشم رجب‌زاده، تهران: نشر انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

کتیرایی، محمود (۱۳۴۸). از خشت تا خشت. تهران: انتشارات موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی. مستوفی، عبدالله (۱۳۸۸). شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی - اداری دوره قاجاریه؛ جلد اول، تهران: نشر زوار.

ملکم، جان (۱۳۶۹). ده سفرنامه، ترجمه مهرباب امیری، تهران: انتشارات وحید. موسی‌پور بشلی، ابراهیم (۱۳۸۹). بررسی نقش دین در زندگی روزانه مردم ایران؛ از آغاز صفویه تا پایان قاجاریه، رساله دکتری دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران.

نجفی قوچانی، محمدحسن (۱۳۸۳). سیاحت شرق و غرب، قم: نشر لوح محفوظ. نوایی، عبدالحسین (۱۳۷۶). تاریخ عضدی؛ احمد میرزا قاجار، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: نشر علم.

والی‌زاده معجزی، محمدرضا (۱۳۸۰). تاریخ لرستان در روزگار قاجار، جلد اول، تهران: حروفیه. ویلس، چارلز جیمز (۱۳۶۳). تاریخ اجتماعی عهد قاجاریه، به کوشش جمشید دودانگه و جمشید نیکنام، تهران: نشر زرین.

احمدی، محمود (۱۳۵۶). یک طغری قباله ازدواج از دوران قاجار، مجله بررسی‌های تاریخی، شماره ۷۲، مهر و آبان ۵۶.

آبه، نائوفومی (۱۳۹۲). رابطه ازدواج بین نخبگان محلی و سلسله سلطنتی؛ مطالعه موردی خاندان نجفقلی خان دنبلی تبریز دوره قاجار، تهران: پژوهش‌های علوم تاریخی، دوره ۵، شماره ۱، بهار و تابستان ۹۲.

بلوک‌باشی، علی (۱۳۵۴). فرهنگ جامعه و ساخت اجتماعی، تهران: مجله مردم‌شناسی و فرهنگ‌عامه، شماره ۲.

بیانی، بهمن (۱۳۸۸). نگاهی به یک قباله ازدواج نفیس در دوره فتحعلی شاه، مجله پیام بهارستان، دوره دوم، سال اول، شماره ۴، تابستان ۸۸.

ترابی فارسانی، سهیلا (۱۳۸۸). تکاپوی زنان عصر قاجار: فردیت، جهان سنت و گذار از آن، تهران: فصل‌نامه علمی و پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء، سال نوزدهم، دوره جدید، شماره ۲، پیاپی ۷۷، تابستان ۸۸.

حیدری، آزاده (۱۳۸۵). زن ایرانی به روایت زنان سیاح انگلیسی، مجله پیام بهارستان، شماره ۶۷، زمستان ۸۵

داوری اردکانی، رضا (۱۳۷۹). خانواده قدیم و جدید، فصل‌نامه کتاب نقد، زمستان، شماره ۱۷.
رحمانیان، داریوش (۱۳۹۱). سحر، جادو، طلسم و تعویذ در دنیای زنان در عصر قاجار، جستارهای تاریخی، شماره ۲، پائیز و زمستان ۹۱.

رضایی، بهناز (۱۳۸۹). نگاهی حقوقی بر یک عقدنامه ازدواج در دوره قاجار، تهران: مجله پیام بهارستان، سال سوم پاییز ۸۹، شماره ۹.

طلایی حاتم، زهرا (۱۳۹۳). مراسم ازدواج در عصر قاجار از نگاه سیاحان اروپایی، تهران: نیمسال‌نامه تاریخ نو، زمستان ۹۳، شماره ۹.

طیباتی، حسین (۱۳۵۳). سیری در قباله‌های ازدواج، مجله هنر و مردم، خردادوتیر ۱۳۵۳، شماره ۱۴۰ و ۱۴۱.

علیزاده بیرجندی، زهرا (۱۳۸۵). نگرشی بر مهرنامه‌های عصر قاجاریه در بیرجند، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی و صنایع‌دستی و گردشگری.

معزی، فاطمه (۱۳۸۷). مهدعلیاهای دوره قاجار، مجله تاریخ معاصر ایران، شماره ۴۵، بهار ۸۷.

منتظمی، علی (۱۳۸۴). سیری در قباله‌های ازدواج، مجله پیام بهارستان، شماره ۵۱، شهریور ۸۴.
ناطق، هما (۱۳۵۵). سندی درباره آئین ملک‌داری و زن‌داری در قرن نوزده، مطالعات جامعه‌شناختی، دوره قدیم، شماره ۵، بهار ۵۵.

نظام مافی، منصوره (۱۳۷۳). زن در جامعه قاجار، تهران: مجله کلک، مهر و آبان ۷۳، شماره ۵۵ و ۵۶.